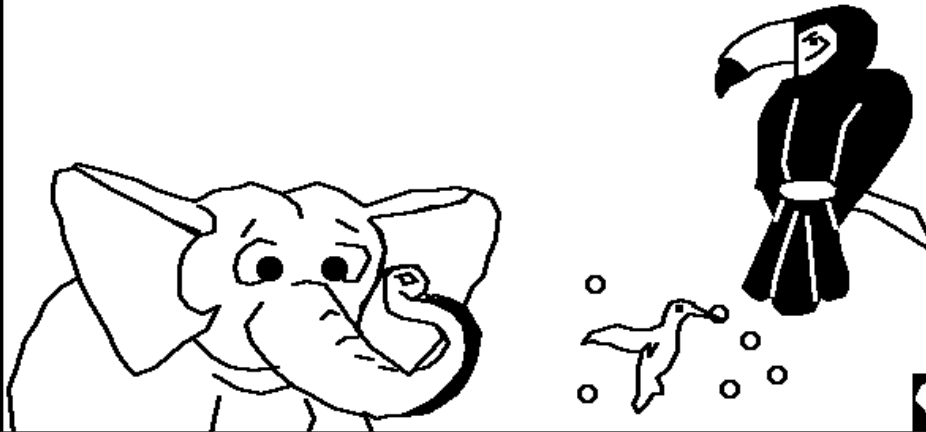


وقتی خدا همه چیز را آفرید



وقتی خدا همه چیز را آفرید
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس
بر اساس
پیدایش ۱-۲
"کشف کلام تو نور میبخشد."
مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

در باغ عدن آدم و حوا خدا را اطاعت
می‌کردند و به این خاطر شاد بودند. خدا
سرور ایشان بود و تمام نیازهای
ایشان را برآورده می‌کرد و
دوست ایشان بود.



20

19

مترجم Nahid Sepehri
بازگویی از Bob Davies; Tammy S.

نویسنده Edward Hughes
طراحی تصاویر Byron Unger; Lazarus

داستان 1 از 60

M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه
می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

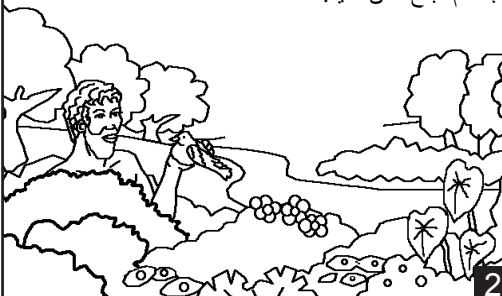
خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر بیگانه خود را فرستاد تا با
مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ
دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می‌تواند
گناهان ما را ببخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بکن: خداوندا
من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مرد و اکنون دوباره زنده است.
خواهش می‌کنم وارد زندگی من بشو و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی
تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند
تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!

خدا آدم را از خاک زمین ساخت و به او روح زندگی
بخشید. آدم زنده شد و خود را در باغی بسیار زیبا
به نام "باغ عدن" دید.

چه کسی ما را آفرید؟ کتاب مقدس یعنی کلام خدا به ما
می‌گوید که چگونه انسان آفریده شد. در زمان‌های
خیلی دور خدا اولین انسان را آفرید و اسم
او را آدم گذاشت.

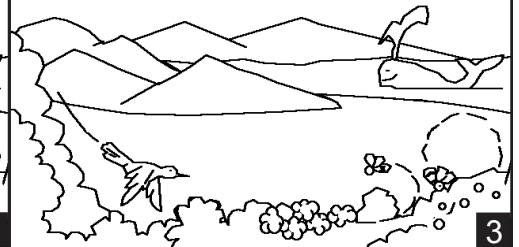


2



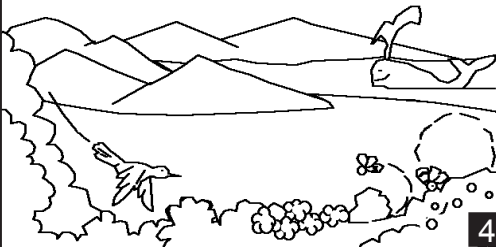
1

قبل از این که خدا آدم را بیافریند، دنیای بسیار زیبایی را آفرید که پر بود از همه چیز های عالی. مرحله به مرحله، خدا کوه ها و دشتهای، گلهای معطر و درختان بلند، پرندگان و زنبورها، نهنگان و حتی حلزون ها را آفرید.



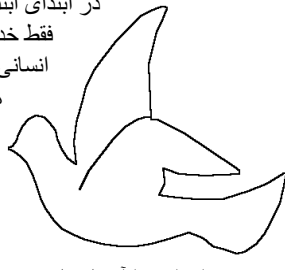
3

در واقع خدا همه چیز را آفرید.



4

در ابتدای ابتدا، پیش از آفرینش دنیا، فقط خدا وجود داشت و بس. نه انسانی، نه مکانی و نه چیزی. هیچ چیز! نه روشنایی و نه تاریکی، نه بلندی و نه پستی، نه دیروز و نه فردا وجود داشت. در آنجا فقط خدا بود که هیچ آغازی نداشت. اینگونه بود که خدا کارش را شروع کرد.



در ابتدا، خدا آسمان ها و زمین را آفرید.

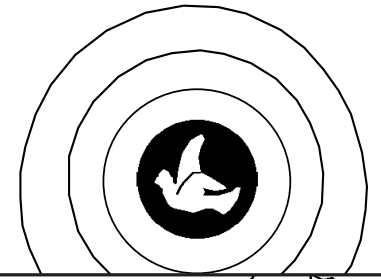
5

زمین خالی و بدون شکل بود و تاریکی آن را پوشانیده بود. سپس خدا گفت: "روشنایی بشود."



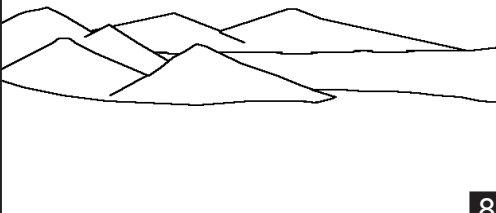
6

و زمین روشن شد. خدا روشنایی را روز نام گذاشت و تاریکی را شب. شب گذشت و صبح روز دوم فرا رسید.



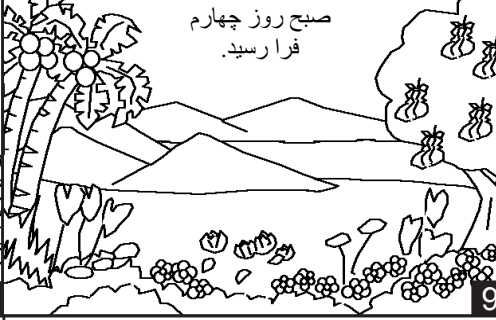
7

در روز دوم، خدا آبهای اقیانوس ها، دریاها و دریاچه ها را در زیر آسمان نظم بخشید. در روز سوم خدا گفت: "خشکی ظاهر شود" و همین طور هم شد.



8

خدا همچنین فرمود که علف ها، گل ها، درختان و درختچه ها برویند و چنین نیز شد. شب گذشت و صبح روز چهارم فرا رسید.



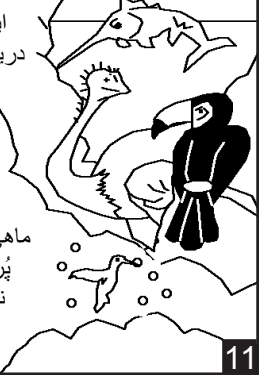
9

سپس خدا خورشید و ماه را آفرید و ستاره های زیادی را که هیچ کس نمی تواند آنها را بشمارد. شب گذشت و صبح روز پنجم فرا رسید.



10

اینک نوبت آفرینش موجودات دریایی و ماهیان و پرندگان بود. در روز پنجم خدا موجودات دریایی و ماهیان و پرندگان را آفرید. از ماهیان بسیار بزرگ گرفته تا ماهیان بسیار کوچک. خدا انواع ماهی ها را آفرید تا آبهای دریا را پر کنند و همه نوع پرندگان را نیز آفرید تا از زمین و دریا و آسمان لذت ببرند.



11

بعد از آن خدا گفت: "در روی زمین همه نوع موجودات پر شوند." همه نوع حیوانات، حشرات و خزندگان. فیل های فربه، میمون های بازیگوش و تمساح های ترسناک، کرمهای کوچک، سمور های سختکوش، زرافه های زیبا و گربه های ملوس. همه نوع حیوانات توسط خدا در آن روز آفریده شد. شب گذشت و صبح روز ششم فرا رسید.



12

خدا در روز ششم کار متفاوتی انجام داد، کاری بسیار متفاوت. همه چیز الان برای آفرینش انسان آماده بود. مزارع پر از خوراک و حیوانات آفریده شده بودند تا انسان از آنها استفاده کند.



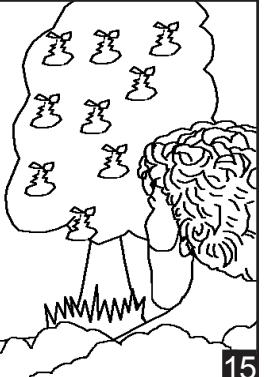
13

خدا گفت: "انسان را شبیه خود بسازیم تا او بر روی زمین حاکم همه چیز باشد." بنابراین خدا انسان را شبیه خود آفرید. شبیه خدایی که آفریننده او بود.



14

خدا به آدم گفت: "از هر چیزی که در این باغ دوست داری بخور. اما از درخت شناخت خوب و بد نخور. اگر از میوه آن درخت بخوری حتما خواهی مُرد."



15

و خداوند گفت: "خوب نیست که آدم تنها بماند. من برای او همدمی خواهم ساخت." خدا تمام پرندگان و سایر جانوران را نزد آدم آورد و آدم روی همه آنها اسم گذاشت. اما در میان تمام جانوران و پرندگان همدم مناسبی برای آدم پیدا نشد.



16

خدا آدم را به خواب عمیقی فرو برد. سپس یکی از دنده های او را برداشت و زن را از آن آفرید. زنی که خدا آفریده بود، دقیقاً همدم مناسبی برای آدم بود.



17

خدا همه چیز را در شش روز آفرید. سپس خدا روز هفتم را مبارک خواند و آن را روز استراحت نامید.



18